

جنبش کارگری و روز کارگر سال ۸۸

پس از برگزاری مراسم سال ۸۲ در سقز و یورش عوامل سرمایه داران برای سرکوب و درنهایت بازداشت برگزار کنندگان مراسم و از جمله محمود صالحی دور جدیدی از مبارزه در رابطه با برگزاری مراسم روز کارگر شکل گرفت. مبارزه برای علنی و خیابانی برگزار کردن مراسم روز کارگر، موضوعی نبود و نیست که فقط به این روز مرتبط باشد و سرمایه داران نیز بخوبی این را می دانسته و می دانند. پس از دو دهه خفقان و سرکوب شدید، جنبش کارگری در تلاش برای ایجاد تشکل های کارگری و برگزاری مراسم های علنی پا به میدان گذاشت. طی شش سال گذشته طبقه کارگر در تلاش برای ایجاد تشکلهای خود هر چند با مانع بزرگ دستگاه سرکوب همچنان مواجه بوده است، اما دست آوردهای قابل توجهی داشته و بر همین مبنا و به موازات آن برگزاری مراسم های روز کارگر و دیگر مراسم ها نیز متاثر از پیشروی در زمینه متشکل شدن بوده است. هر چه تعداد کارگران متشکل شده افزایش می یابد تعداد برگزار کنندگان و سازماندهندگان نیز افزایش می یابد. مراسم هایی که در چند سال گذشته در تهران و کردستان انجام شد هر چند محدود و عمدتاً چند صد نفره بودند اما با توجه به شرایط و سطح جنبش ارزشمند بوده و عده بیشتری را به شرکت در این مراسم ها ترغیب نمود. مراسم روز کارگر سال ۸۶ که از امجدیه و پس از برگزاری مراسم خانه ضد کارگر برگزار شد، گام بزرگ دیگری بود که جنبش کارگری به جلو برداشت و با شرکت حدود ۲۰۰۰ نفر تظاهرات بزرگی برپا شد که در نهایت با حمله حامیان سرمایه به پایان رسید. این تظاهرات که توسط شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری سازمان داده شده بود، خود جلوه ای از سازماندهی و متشکل شدن کارگران را نمایش می داد. پس از آن تظاهرات با شکوه و فراموش نشدنی در تهران، بیش از پیش نیروهای امنیتی در تلاش برای جلوگیری از برگزاری مراسم های کارگری و مردمی به میدان آمدند. قبل از برگزاری هر مراسمی با تجمع وسیع و در واقع قرق کردن محل توسط چند صد و گاه چند هزار نفر از برپایی مراسم ها جلوگیری می کردند و طی دو سال گذشته با این روش سرکوب از برپایی مراسمها و سالگردها جلوگیری کردند. حتی با این روش از برپایی مراسمهای سالگرد جانبازگان و شاملو نیز جلوگیری کردند و اجازه ندادند، تا این قبیل مراسم نیز برپا گردد. اما امسال هم به موازات متشکل تر شدن کارگران- مثل ایجاد سندیکای کارگران هفت تپه- و هم به دلیل کم رنگ بودن برخورد سکتاریستی، برپایی مراسم این روز با قدرت بیشتری انجام شد. دو ویژگی بزرگ این روز یکی حضور گسترده تر با توجه به جو سرکوب از یکطرف و از طرف دیگر برپایی مراسم در چند شهر دیگر به جز کردستان و تهران بود. کارگران در بندر عباس و کرمانشاه از جمله برگزار کنندگان این مراسم بودند. هر چند تقریباً همه مراسم ها با یورش عوامل رژیم مواجه شد اما به هر شکل سیر وقایع بیان از وسیعتر بودن مراسم ها و بیشتر بودن تعداد شرکت کنندگان داشته است. در تهران حدود ۲۰۰۰ نفر تحت شدیدترین فضای پلیسی گرد آمدند و در همان ابتدا با یورش وحشیانه نیروهای امنیتی روبرو شدند. ضرب و شتم شدید و بازداشت حدود صد و پنجاه نفر از برگزار کنندگان مراسم نمی تواند از ارزش و شکوه برگزاری آن بکاهد. خبر آن در همه جای ایران پخش شده و تاثیر آن بجا مانده است. هر چند ضربه وارده یعنی دستگیری ۱۵۰ کارگر بر پیکر جنبش کارگری کوچک نیست، اما در مقابل کارگران برپایی مراسم روز کارگر یعنی این حق ابتدایی را در جریان مبارزه و جدالی سخت در حال به کرسی نشاندن قرار داده اند.

امروز این مبارزه، مبارزه ای برای بدست آوردن یک مطالبه معمولی و صرفاً برگزاری مراسم نیست. بلکه مبارزه ایست برای پیشروی جنبش کارگری، برای آزادی و برای طرح مطالبات در سطح وسیع. دقیقاً بر این مبنا است که حامیان سرمایه در وحشت از برپایی چنین مراسم هایی دست به تدارک وسیع برای سرکوب می زنند و با هزاران نیروی سرکوبگر بر سر کارگران می ریزند. آنها بخوبی می دانند که اگر مراسم روز کارگر و دیگر مراسم ها بتواند بطور علنی و آزاد بر گزار شود، صدای کارگران معترض به فعل تبدیل خواهد شد و دهها برابر شرکت کنندگان فعلی به میدان خواهند آمد، فضای خفقان کمرنگ خواهد شد و صداهای خفته و سرکوب شده ما کارگران رسا خواهد گردید. بر همین اساس نیروهای سرکوب بسیج شده اند تا ما کارگران را حتی در این روز جهانی در خانه نگهدارند و همچنان قدر قدرتی نمایند.

همانطور که می دانیم مبارزه در این زمینه چیزی نیست که یکروزه به پایان برسد و ضروری است در هر مقطعی پیگیری شود و البته در این راه فعالین کارگری همانطور که عمدتاً و با هوشیاری از دو انحراف آوانتوریستی و محافظه کاری در چند سال گذشته مبرا بوده اند و با درایت و بر اساس شرایط گام به گام پیش رفته اند همچنان باید با واقعگرایی پیش رفته و در هر گام خطر بروز این دو انحراف را باید در نظر بگیریم. همه آنهایی که پرداخت هر هزینه ای را برخورد تند و نابجا می دانند و نتیجه پیشروی و دست آوردها را در نظر نمی گیرند، تنها با راست روی و محافظه کاری انفعال را تبلیغ می کنند. آنها مبارزه عملی که بخصوص طی چند سال گذشته باعث متشکل شدن فعالین کارگری و بخشی از کارگران شده را نادیده می گیرند. بعضی از اینها صرفاً به دلیل آنکه خود در جنبش کارگری حضور ندارند و روشنفکران جدا از توده ای هستند که دغدغه واقعی جنبش کارگری ندارند همه مبارزات و حرکتهای کارگری و از جمله اول ماه مه امسال را زیر سوال می برند و نفی می کنند. این روشنفکران جدا از توده حضور گسترده کارگران و مردم را کمرنگ می کنند و چشم دیدن رشد جنبش کارگری که بی تفاوت از مقابل آنها عبور می کند را ندارند. مخالفت آنها تنها ناشی از تنگ نظری خرده بورژوازی است که در حسرت لیدر بودندن و البته در این دوران راه به جایی نمی برد.

اما از سوی دیگر نیز کاملاً باید با آگاهی از خطر بروز آوانتوریستی که یکشنبه می خواهد کار را تمام نماید و حوصله مبارزه بر اساس واقعیات را در جریان مبارزه ای دراز مدت ندارد پرهیز کرد. تجربه جنبش دانشجویی دو سال قبل و دیگر تجربیات ارده گرایانه که بدون در نظر داشتن سطح مبارزه طبقاتی حرکت می کنند و به اتکا به عده ای روشنفکر می خواهند انقلاب نمایند را باید در نظر گرفت. اینها نیز بنوبه خود می توانند در جریان یک مبارزه عملی و حرکت بزرگ ضربات جبران ناپذیری وارد نمایند. با تلفیق مبارزه مخفی و علنی با در نظر داشتن مطالبات بروز کارگران، و با در نظر داشتن اینکه هنوز اکثریت کارگران متشکل نیستند و جامعه با دوران سرنوشت ساز هنوز فاصله دارد باید گامها را بر مبنای واقعگرایی برداشت و ذهنی گرایان را افشا نمود.

روز کارگر سال ۸۸ تبلور مبارزه طبقاتی موجود است و گام دیگری در پیشروی آن به حساب می آید. این سطح از مبارزه خود تبلور مرزبندی با آوانتوریسم که با مطالبات غیر عملی به میدان می آید از یکسو و کنار زدن انفعال و محافظه کاری که تلاش دارد هر گام عملی طبقه کارگر و پیشروانش را محکوم نماید است. اول ماه مه امسال تبلور مبارزه ای سخت اما زمینی و عینی تقابل دو طبقه است که هر چند هنوز راه زیادی در پیش دارد اما با وجود تلفات دادن پیشروی نموده و دست آورد آن ماندگار و ارزشمند است. حضور بیش از ۲۰۰۰ نفر کارگر در شرایط کاملاً پلیسی و قرق شدن محل توسط نیروهای امنیتی بسیار با ارزش و با اهمیت است. واقعیت این است که اگر این مراسم برگزار می شد در همان ساعات اولیه تعداد شرکت کنندگان به چند برابر

می‌رسید. اما همانطور که اشاره کردم، مبارزه تنها به روز کارگر خلاصه نشد و نمی‌شود و بخصوص با بازداشت حدود ۱۵۰ نفر این مبارزه وارد کارزار دیگری گردید که خود در راستای تحقق آزادی برگزاری مراسم روز کارگر و دیگر مناسبت‌هاست. بلافاصله پس از بازداشت این عده تجمع خانواده‌های آنها در مقابل دادستانی خیابان معلم آغاز حرکت دیگری شد. چند روز تجمع و عکس‌العمل ماموران، شروع مبارزه برای رهایی بازداشت‌شدگان است. حالا ما با موج فزاینده و کم‌سابقه حمایت جهانی روبرو هستیم. بسیاری از تشکلهای کارگری جهان عکس‌العمل نشان داده‌اند و خواهان مبارزه برای آزادی بازداشت‌شدگان شده‌اند. دیگر فعالین سیاسی و کارگری بیشتر از هر زمان دیگری فارغ از گرایشات خاص خود وارد کارزار و مبارزه شده‌اند و موجی ایجاد نموده‌اند. این مبارزه می‌رود تا منسجم شود و عرصه‌ای جهانی در مقابل سرمایه‌داری ایران ایجاد نماید. این عکس‌العمل‌های بین‌المللی جویبارهایی است که هر چه بیشتر یکی می‌گردند و بدعتی برای مبارزات بزرگتر جهانی است. باید با تمام توان آنرا تقویت نماییم و با آن همراه شویم. مبارزه جهانی کارگران از حرکت رادیکال اول ماه مه ایران، در یک رابطه تاثیر متقابل با مبارزه داخلی قرار خواهد گرفت و بیش از پیش بر اتحاد طبقاتی ما کارگران موثر واقع خواهد شد. اگر تشکلهای کارگری جهان بتوانند همانند چند سال قبل و در جریان مبارزه رانندگان شرکت واحد هماهنگ و جهانی در یک روز مشخص به خیابانها بیایند، گام بزرگ و موثری در این رابطه برداشته شده. فعالین کارگری خارج کشور باید بیش از پیش سعی کنند تا در این رابطه تلاش نمایند تا مبارزات و اعتراضات در این رابطه را هماهنگ و یک دست نمایند.

طبیعتاً اگر سرمایه‌داران همچنان کارگران را در بازداشت نگهدارند، دیگر جنبشهای اجتماعی مثل جنبش دانشجویی و زنان نیز به میدان خواهند آمد و نسبت به این موج بازداشت بی‌تفاوت نخواهند بود. کمیته برگزارکننده مراسم اول ماه مه که طیف قابل توجهی از کارگران را پشت سر دارد، یکی دیگر از کانونهای مبارزه در راستای آزادی کارگران است. این کمیته همچنان می‌تواند مرکز ثقل مبارزه برای آزادی بازداشت‌شدگان باشد و از اهرمهای فشار بخوبی بهره‌بردارد. بنابراین مبارزه برای آزاد برگزار نمودن مراسم اول ماه مه و هر مراسم دیگری در این مقطع با مبارزه برای آزادی بازداشت‌شدگان گره خورده و پیروزی در این رابطه می‌تواند گام دیگری جنبش کارگری را پیش برده و دست آورد دیگری باشد. باید با تمام امکانات برای آزادی آنها تلاش نماییم و اجازه ندهیم که موضوع بازداشت شامل مرور زمان شده و کمرنگ گردد.

محمد حسین
اردیبهشت ۸۸